

دو جلسه از انجمن ادبی خراسان



یادی از دانشمند فقید مرحوم دکتر فیاض (سید علی اکبر شهیدی
ثقة الاسلام)

ادیب و نویسنده محترم آقای پارسا نویسر کانی مقاله‌ای تحت عنوان:
(مرگ دکتر فیاض) شامل تاریخچه زندگی مرحوم نوشته شده و بضمیمه
عکسی از انجمن ادبی خراسان که مرحوم دکتر فیاض از اعضای آن انجمن
بودند. (در شماره ۷ مجله وحید آبانماه ۱۳۵۰) بطبع رسانده بودند.

این جانب که در خراسان و طهران با دانشمند فقید انس و الفت داشتم
بر آن شدم که خاطرهای از انجمن ادبی خراسان نوشته و یادی از آن مرحوم
نموده باشم و عکس دیگری از انجمن را که موجود دارم برای درج در مجله
شریفة وحید تقدیم نمایم.

انجمن ادبی خراسان (دره شهد) بوسیله آقای میرزا محمد خان ملکزاده
برادر مرحوم مالک الشمرای بهار که رئیس معارف خراسان بودند تأسیس شده
و مرحوم آقا سید حسن طبسی ریاست انجمن را داشتند محل انجمن ادبی
در باغ نادری مشهد در یکی از اطرافهای مقبره نادر و در اطراف مجاور آن
کتابخانه معارف بود. جلسه انجمن هفته‌ای یکبار تشکیل میشد و مجله



- ۱- آقای میرزا علی اکبر شهیدی ۲- آقا میرزا عبدالحسین آل داود ۳- آقای مؤید ثابقی ۴- آقای ملک زاده رئیس معارف ۵- آقای سید حسن طیبی رئیس انجمن ادبی ۶- آقای سید محمد داودی ۷- آقای سید عبدالله خان سیار ۸- آقای میرزا محمد مسعودی ۹- آقای میرزا نظام الدین شهیدی ۱۰- آقای میرزا محمود فرخ ۱۱- آقای شیخ محسن گنابادی ۱۲- آقای میرزا اسمعیل نساچ ۱۳- آقای شیخ حسن هروی ۱۴- آقای میرزا علی بزرگه نیا ۱۵- آقای نادری امیرالشعرا ۱۶- آقای حاجی میرزا شکور اشراق ۱۷- آقای ادیب بجنوردی ۱۸- آقای میرزا غلامرضا خان درجزی ۱۹- آقای میرزا ابوالقاسم شهیدی .

دبستان به مدیریت آقای آقا سیدحسن طبسی ناشر آثار اعضای انجمن بود .
در سنه ۱۳۰۵ شاهزاده محمد هاشم میرزا افسر از طهران به مشهد آمده
و شبهای جلسه به انجمن میآمدند . یکشب شاهزاده افسر در انجمن ادبی
خراسان غزلی را که بتازگی ساخته بودند خوانده و پیشنهاد کردند که هر يك
از اعضای انجمن که مایل باشند غزلی بآن وزن و قافیه سروده نظر خود را
راجع بشیفتگی عاشق بر روی یاخوی معشوق اظهار نمایند .

(همین غزل شاهزاده افسررا اکنون بخاطر ندارم لکن جان کلام او این
مصرع بود که «برخوی تو عاشقترم از روی تو ای ماه»)
هفته بعد شب جلسه سه نفر از آقایان هر يك غزلی سروده بودند و
خواندند مخصوصاً غزل مرحوم آگاهی (میرزا عبدالحسین آل داود) خیلی
مورد توجه قرار گرفت و درحقیقت شاهزاده افسررا مجاب نمود .

(۲) آقای آقا سید محمود فرخ (که خدا سلامشان بدارد و سه چهار
سال قبل تاریخچه زندگی هفتاد ساله خود را بطبع رسانده و عکسی از انجمن
ادبی خراسان را در آن چاپ کرده اند)

(۳) آقای سید علی اکبر شهیدی (مرحوم دکتر فیاض) هم هر يك
غزلی سروده و اظهار عقیده نموده بودند. صورت آن سه غزل را از دفتر خاطرات
خود در این جا نقل و تقدیم مینمایم:

(۱) غزل مرحوم آگاهی (میرزا عبدالحسین آل داود برادر مرحوم
بدایع نگار)

چون روی نکوی تو بود دلکش و دلخواه

باکی نبود ، گر که بود خوی تو جانکاه

خوشخوی هزارند و تو طاقی به نکوئی

صد سال دیگر باز نیاید چو تو يك ماه

روست کز و بهره برد هر که به بیند

وز خوی همین مرد معاشر شود آگاه

عشق از اثر روی نکو گشته هویدا

بیروی نکو عشق نبودی علم الله

بر روی گل آشفته بود ، بلبل شیدا
 ز آن روی کشد نغمه بهر شام و سحر گاه
 عاشق بخط و خال و رخ و زلف گراید
 بی خوی کسان باشد اگر دلکش و دلخواه
 فحش از لب شیرین دهان تلخ نباشد
 از خوی بدبیار نکو روی چه اکرام
 آن شاعر دانا که بدلخواه تو گفته است
 (برخوی تو عاشقتم از روی تو ای ماه)
 او عاشق رویت شده بی طالب خویت
 خواهد که بدام افکندت لیکه ازینراه
 (۲) غزل آقای آقا سید محمود فرخ
 هر چند که خویت نبود دلکش و دلخواه
 من بنده آن روی نکوی توأم ای ماه
 صرف نظر از روی نکویت نتوان کرد
 خوی تو دل آزار اگر باشد و جانکاه
 من فاش بگویم که پرستنده رویم
 بگذار بگویند فلانی شده گمراه
 یعقوب پیمبر بدو البته نکو خوی
 او را نشنیدیم کسی بوده هوا خواه
 یوسف ز رخ خوب شنیدی تو که دل برد
 از مردوزن و پیر و جوان شاه و زن شاه
 بودند بسی عاشق و معشوق به گیتی
 کافسانه آنها بود افسانه در افواه
 از آنهمه یکره نشنیدیم که معشوق
 جز با رخ نیکو دل عاشق برد از راه
 محمود پی مصلحتی بود اگر گفت
 من شیفته خوی ایازم علم الله
 فرخ همه بر روی نکو شیفته بودند
 مانند تو جز افسر دانای دل آگاه

کاوازابی خوی نکو رفت دل و گفت
 (خو بست که صاحب نظران را برد از راه)
 (۳) غزل آقای میرزا علی اکبر شهیدی (مرحوم دکتر فیاض).
 ای روی توجان پرور وای خوی توجانکاه
 این خوی بدان روی نشاید شهد الله
 با روی نکو خوی نکو باید از یراک
 بی خوی نکو در دل خاصان نکنی راه
 دلباخته بر خوی نکو بود که يك عمر
 فرمان یکی بنده همی برد شهنشاه
 مجنون ز چه شد شیفته و واله لیلی
 زانگونه که شد عشق وی افسانه در اقواه
 شد خوی نکو رهن او و در نه بر خسار
 لیلی نه فزون بود ز اقران وز اشباه
 ای آینه رو خوی نکو ساز و بیندیش
 زان روز که خیزد ز دل سوخته ای آ
 بر روی مشو غره که گل دیر نباید
 بر حسن مکن تکیه که در میخ رود ماه
 هر ماه رخی خوی خوش آموزدا زین پس
 بی شبهه گر از گفته افسر شود آگاه
 آن شاعر دانفور آزاده که فرمود
 (بر خوی تو عاشق ترم از روی تو ای ماه) .

* * *

انجمن ادبی خراسان و مجله دبستان که ناشر آثار اعضاء انجمن بود
 در تیرماه ۱۳۰۶. تعطیل شد که در آن تاریخ آقای آقاسید حسن طبسی (مشکان
 طبسی) برای تشکیلات عدلیه داور به طهران منتقل گردید در دوره دو ساله
 مجله دبستان که ناشر آثار ادبای خراسان بوده مقالات مفید و ذقیمتی از
 مرحوم دکتر فیاض درج است که لدی الاقتضاء برخی از آنرا برای درج در مجله
 شریفه وحید نقل و تقدیم خواهم نمود. فروردین ۱۳۵۱. (سید عبدالله سیار)